

1 Perzsa 0. 53.

VÁMBÉRY A.
BUDAPEST.

*perzsa
költségek
mennyisége*

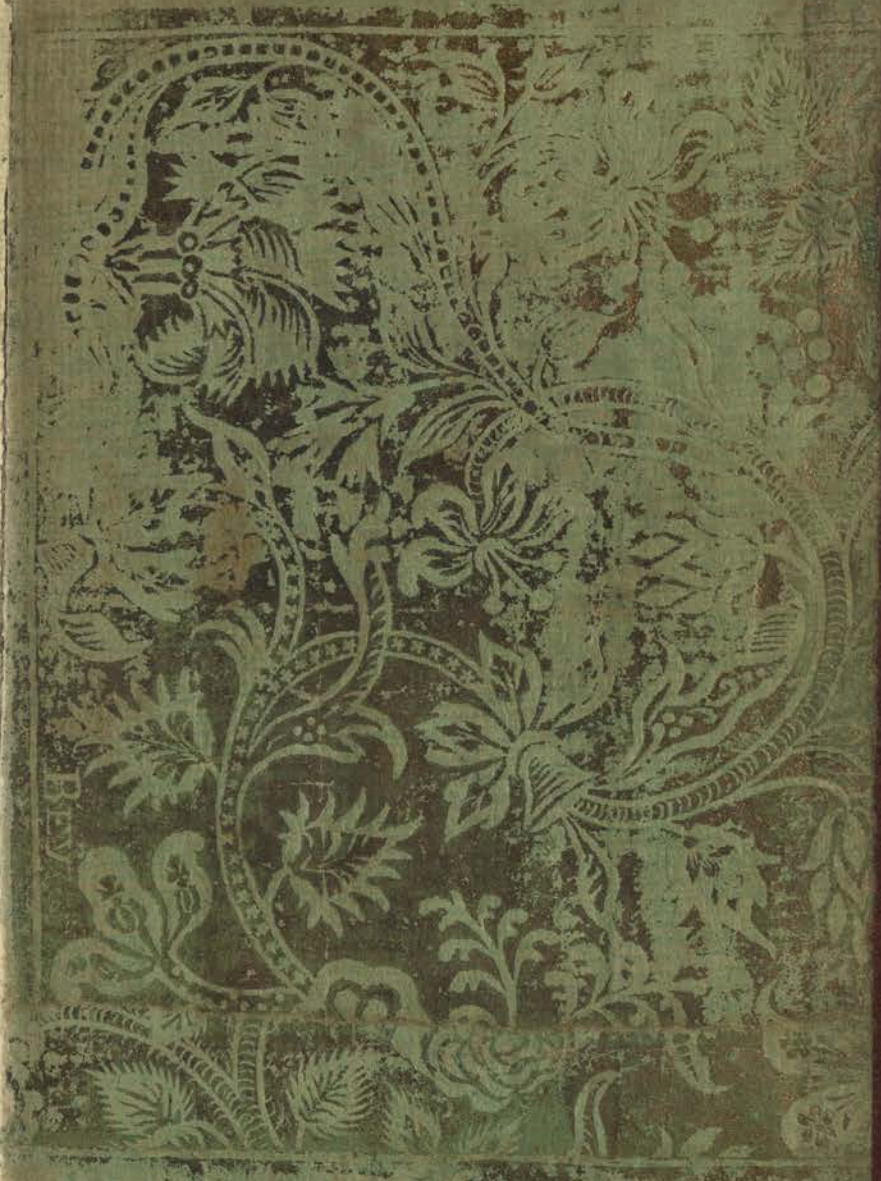
Digitized by the Library and Information
Centre of the Hungarian Academy of
Sciences



1 Perzsa O. 53.

VÁMBÉRY Á.
BUDAPEST.

perzsa
kálta
mennyel



عدد اودان باض
۱۵

عبدالله بن عباس
۱۵

A 1730000
1730000

القدر فرماید
در وصف ملک

از کجاست که از فرشتان
در بخت کجاست که از فرشتان
چون تو که از عالم جان فیه بودم
چون تو که از عالم جان فیه بودم

هر قدر که از عالم جان فیه بودم
هر قدر که از عالم جان فیه بودم

از کجاست که از فرشتان
در بخت کجاست که از فرشتان

اینکه در عالم جان فیه بودم
اینکه در عالم جان فیه بودم
بر خیز تو به وصل محبت کجاست
بر خیز تو به وصل محبت کجاست

برای تو به وصل محبت کجاست
برای تو به وصل محبت کجاست
هر که شده لایق تو به وصل
هر که شده لایق تو به وصل

از کجاست که از فرشتان
در بخت کجاست که از فرشتان

ندم اسیر زلفش

ندم اسیر زلفش

بدر خفا که در محبت تو
بدر خفا که در محبت تو

القدر فرماید

ندم اسیر زلفش
ندم اسیر زلفش
کسبده قامت شیرین بخت
کسبده قامت شیرین بخت

کسبده قامت شیرین بخت
کسبده قامت شیرین بخت

ندم اسیر زلفش
ندم اسیر زلفش
کسبده قامت شیرین بخت
کسبده قامت شیرین بخت

کسبده قامت شیرین بخت

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

بن شدیم کرم طلب از مهری
تا که دامن زانم گشت

[illegible]

از غم من زردان فکانت
 در جهان کجاست دل تو
 منم که کزدم سحر و جادو
 با زنی بی هیچ دلیت
 راه بجز حقیقت نیست
 ز راهی که تو را بدیست
 ز راهی که تو را بدیست
 ز راهی که تو را بدیست
 عالمی که درین راه بود
 جانی که درین راه بود
 در آنجا که درین راه بود
 یک قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 اینک چون از راهی که
 میرا زده دل بی شکانت
 ششم آنکه از خون شک لاله کون خود
 تو چون شمشیری من هر که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که

اگر که شمشیری من هر که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که

نیست یک سوزی که
 خورشید زدم بران
 نام تو بر زبان سپاس
 یاد تو بر زبان سپاس
 در آنجا که درین راه بود
 جانی که درین راه بود
 در آنجا که درین راه بود
 یک قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 درین قطره اشک از دهن
 اینک چون از راهی که
 میرا زده دل بی شکانت
 ششم آنکه از خون شک لاله کون خود
 تو چون شمشیری من هر که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که

اگر که شمشیری من هر که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که
 در دهن من کز راهی که

درینجا که سر میانش در بریم
 دماغ از خون آن کرده پست می‌نویسم
 آما می‌کشد که در دهان
 نماند که در لطف صاحب کلان
 کلان نیست خنده و اسوس
 رخ زلف در آنجا که خنجر
 تا دیده از چشم آبله
 خنجر خنجر خنجر خنجر
 اینانیت بر سر راه
 مری که در کای در کای
 شمع در دهان خنجر خنجر
 بار بار می‌نویسد که در کای
 بر سر خنجر خنجر خنجر
 نهادن بر سر خنجر خنجر
 نظر زلف و خط آن شمشیر
 شکست تمام منع را نماند

درینجا که سر میانش در بریم
 دماغ از خون آن کرده پست می‌نویسم
 آما می‌کشد که در دهان
 نماند که در لطف صاحب کلان
 کلان نیست خنده و اسوس
 رخ زلف در آنجا که خنجر
 تا دیده از چشم آبله
 خنجر خنجر خنجر خنجر
 اینانیت بر سر راه
 مری که در کای در کای
 شمع در دهان خنجر خنجر
 بار بار می‌نویسد که در کای
 بر سر خنجر خنجر خنجر
 نهادن بر سر خنجر خنجر
 نظر زلف و خط آن شمشیر
 شکست تمام منع را نماند

مظهر باران نمیدانم که گفت
 هرگز دیدم چون این جریان می‌مویم

مجلس ششم در روز دوشنبه

[illegible]

خوشتر از گل
 گلشن شمع کجای جان خفته زنده
 خنده شوق لب لباب زنده
 آه غمگین لب لباب زنده
 حسرت منم که ملک در جهان زنده
 کل ادم بر شمع و ماه زنده
 و کج آن در طراز زنده
 عجز کرد و بر آید زنده
 هیچ کس نیست و نتوان زنده
 آسمان باران زنده
 قرعه حال بنام زنده
 منور است جوارح هر چه زنده
 حسرت هست یک روز زمانه زنده
 جانم که چه عجب زنده
 زدن مهر لب از رخ زنده
 کجاست بقا و هلاکت زنده
 زنده که کس نکند زنده
 آتش آتش که زنده
 آتش آتش که زنده

五

[illegible][illegible]

سحر طالع
 در راه عشق پندار سازگار
 بسفید و صدای کینه پندار
 بخت معیت هم طالع
 که بوی که در دیکه هم طالع
 قوی کار از کینه طالع
 که ساز و جد و آن خفت طالع
 جد از خوشی نام نمودن طالع
 بر جانم همه بر آب طالع
 پس از آن که در آب طالع
 خلاصه کردی در آب طالع
 بخت عشق کینه طالع
 در راه عشق پندار سازگار
 بسفید و صدای کینه پندار
 بخت معیت هم طالع
 که بوی که در دیکه هم طالع
 قوی کار از کینه طالع
 که ساز و جد و آن خفت طالع
 جد از خوشی نام نمودن طالع
 بر جانم همه بر آب طالع
 پس از آن که در آب طالع
 خلاصه کردی در آب طالع
 بخت عشق کینه طالع

نفس چو کشت گلزار زین عشق
 خواهر و برادر خود از سر جان
 بودی که در عشق سپردن
 بوی طبع دلها بخت پندار
 بخت معیت هم طالع
 که بوی که در دیکه هم طالع
 قوی کار از کینه طالع
 که ساز و جد و آن خفت طالع
 جد از خوشی نام نمودن طالع
 بر جانم همه بر آب طالع
 پس از آن که در آب طالع
 خلاصه کردی در آب طالع
 بخت عشق کینه طالع
 در راه عشق پندار سازگار
 بسفید و صدای کینه پندار
 بخت معیت هم طالع
 که بوی که در دیکه هم طالع
 قوی کار از کینه طالع
 که ساز و جد و آن خفت طالع
 جد از خوشی نام نمودن طالع
 بر جانم همه بر آب طالع
 پس از آن که در آب طالع
 خلاصه کردی در آب طالع
 بخت عشق کینه طالع

دل
 کی بود خفت آغوش من اندام مرا
 سبکد از زبون خراب بگشایم
 چون کفایت هم ریخته از یکدند
 رشتند ازین بهر مستی بزم نام
 شد که بیدار نشیمن نام
 چه بزم بخت بگویم خدا نام
 دور کردید از کسالی راه ما
 غنای پر بویست و بلند راه ما
 خویش را با بد از لطف سبکبوی سغید
 میکند زین رشت بطلست سغیدی راه ما
 از بهر هم دوزخ دل نه چاک آغوش بزم
 موج کل آید خفت دیوار کستان مرل
 دل
 دل بود خفت آغوش من اندام مرا
 سبکد از زبون خراب بگشایم
 چون کفایت هم ریخته از یکدند
 رشتند ازین بهر مستی بزم نام
 شد که بیدار نشیمن نام
 چه بزم بخت بگویم خدا نام
 دور کردید از کسالی راه ما
 غنای پر بویست و بلند راه ما
 خویش را با بد از لطف سبکبوی سغید
 میکند زین رشت بطلست سغیدی راه ما
 از بهر هم دوزخ دل نه چاک آغوش بزم
 موج کل آید خفت دیوار کستان مرل

دل
 حصص از نامزد روی مردونه ما
 مایان نشسته در شود کون ما
 جاده از یک بود خفت منی بخت
 کچه از آید کله و بود موزه ما
 دوزان کرد ز خفت خاچه ما
 زبان سبب بدین بنامان دین
 رمای چون توان از خفته بزم ما
 بود بخت از بخت بری دوزخ ما
 بود بخت کل از غبار راه بختی
 زخو رفتن بکشتن او در بختی ما
 بنای خدا با ازین بختی بختی
 کند ز منی سمار ویران خانه ما
 دل
 حصص از نامزد روی مردونه ما
 مایان نشسته در شود کون ما
 جاده از یک بود خفت منی بخت
 کچه از آید کله و بود موزه ما
 دوزان کرد ز خفت خاچه ما
 زبان سبب بدین بنامان دین
 رمای چون توان از خفته بزم ما
 بود بخت از بخت بری دوزخ ما
 بود بخت کل از غبار راه بختی
 زخو رفتن بکشتن او در بختی ما
 بنای خدا با ازین بختی بختی
 کند ز منی سمار ویران خانه ما

[illegible][illegible]

[illegible]

باز در طبعی که در او زنده بود
 بود و نه در آن که در او زنده بود
 چنان که یک خنک غریبه شد
 چنان که یک خنک غریبه شد
 چون برق بکین دیده شد
 چون برق بکین دیده شد
 اگر از راه کسی غافل بود
 اگر از راه کسی غافل بود
 جان در دیده آید
 جان در دیده آید
 شد و طالب او را بوی خوش
 شد و طالب او را بوی خوش
 اگر میباید فغان نشسته
 اگر میباید فغان نشسته
 چنان که زانایان را در دیده
 چنان که زانایان را در دیده
 که بود و درین کس
 که بود و درین کس
 چراغ افکند روشن از خانه
 چراغ افکند روشن از خانه
 لاله کوی خوابان لاله کرم
 لاله کوی خوابان لاله کرم

[illegible][illegible]

[illegible]

بدام

سیدم به عادت صفت کشیدیم
 از پند راه بود جوید نفس را
 که بود طافت عوس من کرام
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 چون نفس از پند کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 چنان کان من صفت کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 شش از پند کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 کلاه بیک و جامه بیک
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 طاف کوه مالم و در پند کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 بر من منی یک کلاه و جامه کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 از پند کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 سباده آب و سبزه کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 جامه ای سبزه کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 در این سبزه کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام
 آب زیر کاه کشیدیم
 بکوار از جوید کرب کلین نام

[illegible][illegible]

(ع. ۱۰۰)

سید احمد علی

طرحه نو فضا که در فضا
الکسندریه در مدینه
سفر نامه

وہاں سے لے کر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

کشف الخواص فی علم غزوات

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God) and "والصلاة والسلام على من لا نبي بعده" (And the prayer and peace be upon the one after whom there is no prophet).

[illegible]

کشف افکار و اسرار و عرفان
و لطائف

سید بن ابی طالب

Pin

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسمًا من موسمي الدنيا والآخرة

وہی ہے جس نے ان کو پیدا کیا اور ان کو پالیا اور ان کو مرانا چاہتا ہے۔

والماء في كل يوم من الماء في كل يوم

این خسته سیه چشم بر کشته که تو دار
یک کس بر مهر منزل مقصود تو دار

برو خراب است نشسته که نوادر
خوازده از هیچ صاحب خانه که نوادر

سود ندرت و مستحق تو دار
امید بر کاره خط داد اطلال

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, located at the bottom of the page.

بسم الله الرحمن الرحيم

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, written diagonally across the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or note, located in the bottom right corner of the page.

بیت

کلمه که در این کتاب است

که در این کتاب است

کتابی که در این کتاب است
چون از این کتاب است
کتابی که در این کتاب است
چون از این کتاب است

کتابی که در این کتاب است
چون از این کتاب است
کتابی که در این کتاب است
چون از این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

کلمه که در این کتاب است

Perzsa. 53.

53.

Perzsa 0.53.